

## ارزیابی برگردان آیه «اقراً باسم ربک» (علق، ۱) در ترجمه‌های فارسی، انگلیسی و

### ترکی استانبولی<sup>۱</sup>

علی شریفی<sup>۲</sup>، حسام امامی دانالو<sup>۳</sup>

موسی رحیمی<sup>۴</sup>

#### چکیده

ترجمه قرآن کریم، راهی برای ایجاد ارتباط با قرآن کریم است و از این رو تحلیل و نقد ترجمه‌های قرآن کریم، امری ضروری است. در این پژوهش که به روش توصیفی تحلیلی انجام شده است، ترجمه‌های فارسی، انگلیسی و ترکی استانبولی ارائه شده از عبارت «اقراً باسم ربک» بررسی شده و نهایتاً به این نتیجه دست یافته‌ایم که در ترجمه‌ها، خواه در ترجمه واژگان آیه و خواه در متعلق‌یابی برای فعل «اقراً» نارسایی‌هایی وجود دارد. علاوه‌براین، با در نظر گرفتن نکاتی مربوط به تناسب آیات سوره، دیدگاه پیشنهادی در ترجمه ارائه شده است. چنان‌که در زبان فارسی عبارت: «[نمازت را] به [یاری حقیقت] نام سرورت بخوان»، در زبان انگلیسی عبارت: «(Pray) for your God» و در زبان ترکی استانبولی عبارت: «(Namazını) Tanrı'n için kıl» مطلوب است.

**واژه‌های راهنما:** اسم، اقرأ، ترجمه انگلیسی قرآن، ترجمه ترکی قرآن، ترجمه فارسی قرآن، رب، سوره علق

۱. این مقاله در تاریخ ۱۴۰۱/۱۱/۰۹ دریافت شد و در تاریخ ۱۴۰۲/۰۱/۲۱ به تصویب رسید.

۲. دانشیار، گروه قرآن و حدیث، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه علامه طباطبائی (ره)، تهران، ایران؛  
پست الکترونیک: dralisharifi15@gmail.com

۳. دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه علامه طباطبائی (ره)، تهران، ایران؛  
پست الکترونیک: hesam.e.danaloo@gmail.com

۴. نویسنده مسئول: استادیار، گروه ترکی استانبولی، دانشکده ادبیات فارسی و زبان‌های خارجی، دانشگاه علامه  
طباطبائی (ره)، تهران، ایران؛ پست الکترونیک: musarahimi@atu.ac.ir

## ۱- بیان مسئله

قرآن کریم متنی به زبان عربی است و شامل آیات محکم، متشابه، ناسخ، منسوخ، عام، خاص و غیره است. از این رو، مترجم قرآن کریم باید از تمام این ظرافت‌ها آگاه باشد تا بتواند متن را درک و دقیق‌ترین برگردان را ارائه دهد. یکی از چالش‌زاترین آیات قرآنی که پژوهشگران و مترجمان قرآن، دیدگاه‌های گوناگون در فهم آن ارائه داده‌اند، «اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ» (علق، ۱) است. اما به غیر از تبیین‌های موجود از آیات سوره علق در تفاسیر قرآن کریم که منبع پژوهش حاضر است، جز مقاله‌های زیر، پژوهش دیگری در این باره یافت نشد.

مقاله «ارزیابی برگردان‌های آیه «اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ» در پنج ترجمه از ترجمه‌های روسی» نوشته «حسام امامی دانالو» و «موسی عبداللهی» در نشریه مطالعات ترجمه قرآن و حدیث، مقاله «اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ» نوشته «محمد حافظ سلیمان» در نشریه «منبر الاسلام» در سال (۱۴۰۱ق) شماره پنجم و «اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ» نوشته «سید محمدعلی طباطبائی» در نشریه «المعارج» در سال (۱۴۱۴ق) شماره بیستم، چاپ شده است که صرفاً به مسئله اعجاز قرآن کریم پرداخته‌اند. همچنین مقاله «تفسیر سوره علق در بستر تاریخ» نوشته «جعفر نکونام» در مجله «مقالات و بررسیها» در سال (۱۳۸۲ش) شماره هفتاد و چهارم؛ منتشر شده است که درباره آغاز نزول قرآن کریم بر پیامبر اکرم (ص) و تاریخ‌گذاری آیات سوره علق است. اما در هیچ یک از پژوهش‌های حاضر، مفاهیم موجود در الفاظ آیه «اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ» تبیین و به تبع ترجمه‌های آن در زبان‌های فارسی، انگلیسی و ترکی استانبولی بررسی و نقد نشده‌اند.

بر این اساس، ضروری است تا مفهوم صحیح آیه، به دست آید و میزان نزدیکی هر یک از آنها به مفهوم آیه تبیین شود و در نهایت مواضع ضعف و خلل هر یک از آنها آشکار شود. از این رو این پژوهش درصدد است تا برداشت‌های ارائه شده به زبان‌های فارسی، انگلیسی و ترکی

ارزیابی برگردان آیه «اقراً باسم ربک» . . . ۹

استانبولی را نقد کند. جامعه مورد مطالعه عبارت است از: ده تن از مترجمان قرآن کریم به زبان فارسی، ده تن از مترجمان قرآن کریم به زبان انگلیسی و یکی از مستشرقان که به طور خاص به ترجمه و تحلیل آیات سوره علق به زبان انگلیسی پرداخته و دو تن از مترجمان قرآن کریم به زبان ترکی استانبولی. روند انجام پژوهش حاضر بدین صورت است که نخست، مفاهیم به کاررفته در تحقیق شرح داده می‌شود، آنگاه معنای تفسیری مستفاد از آیه از نظر مفسران تحلیل می‌شود، سپس ترجمه‌های موجود از آیه «اقراً باسم ربک» یک به یک تبیین و ارزیابی می‌شود. در نهایت برگردان صحیح آیه «اقراً باسم ربک» ارائه و روایات آغاز نزول قرآن کریم ارائه می‌شود.

## ۲- تبیین مفاهیم

### ۲-۱. ریشه‌شناسی ماده «قرأ»

از ریشه‌شناسی ماده «قرأ»، در زبان‌های خانواده سامی، برمی‌آید که قدیمی‌ترین ترکیب حالت ثلاثی «قرأ» از ثنایی آن (= قر) به معنای «فرا خواندن» و «صدا زدن» گرفته شده و دو مسیر معناسازی را طی کرده است. نخست: صدا زدن < دعوت کردن (به مهمانی) > پذیرایی کردن. دوم: صدا زدن < خواندن / مطالعه کردن > سرودن. زنجیره نخست، بیشتر در زبان‌های آفریقایی - آسیایی کاربرد داشته است. اما زنجیره دوم، در زبان‌های سامی شمالی مرکزی و جنوبی که زبان عربی هم از این دست است، یافت شده است. (جانی‌پور و ایزدی، ۱۳۹۲ش، ۳۹-۲۱). بر این اساس ریشه «ق ر ع» به معنای خواندن از روی حافظه یا نوشته یا صدا زدن و دعوت کردن است. از آنجا که زبان قرآن کریم، عربی است، احتمال معنای «خواندن» بیشتر است.

مشتقات ریشه «ق ر ع» و متعلق‌های فعل «قرء» بسیار است و برخی از آنها در قرآن کریم نیز به کار رفته است. در این میان گاه «قرآن» (الاعراف / ۲۰۴؛ النحل / ۹۸؛ الاسراء / ۴۵). گاه «کتاب» (یونس / ۹۴؛ الاسراء / ۷۱ / ۱۴) و گاهی «نامه اعمال» (الحاقه / ۱۹) متعلق قرأ هستند. از

این رو مترجمان و مفسران ذیل عبارت «اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ» یا به کلی متعلق برای «اقْرَأْ» معرفی نکرده‌اند و فارغ از آن، آیه را بیانگر کیفیت قرائت می‌دانند (آدینه‌وند، ۱۳۷۷ش، ج ۶: ۱۱۹۴؛ آیتی، ۱۳۷۴ش: ۵۹۷؛ فولادوند، ۱۴۱۸ق: ۵۹۷ و بسیاری دیگر مانند گلپنارلی<sup>۱</sup>، ۱۹۸۲م: ۵۹۷؛ چلیک<sup>۲</sup>، بی تا: ۵۹۷) یا «باسم رب» را متعلق «اقْرَأْ» معرفی می‌کنند (بیکتال، ۲۰۱۱م: ۵۹۷؛ آربری، ۱۹۵۵م: ۵۹۷) یا «قرآن» را متعلق آن می‌دانند. (سمرقندی، ۱۴۱۶ق، ۳ / ۵۹۷) به نظر می‌رسد ریشه این سردرگمی در مرتبط دانستن سوره علق به آغاز نزول قرآن کریم و اخبار مربوط به آن است.

حال آنکه متن روایات آغاز نزول به شدت مضطرب است و چهار یا پنج شکل دارد. (بخاری، ۱۹۵۸م، ۲/۱۱؛ مسلم، ۱۹۱۵م، ۱/۱۲۸) این اخبار از یک سو پیامبر اکرم (ص) را فردی ناتوان، ناآگاه و متزلزل نشان می‌دهند و از سوی دیگر با وجود حرمت آزار پیامبر اکرم (ص) (الاحزاب / ۵۷)، جبرئیل (ع) او را در این روایات با فشار دادن آزار می‌دهد. ضعف شدید سند این دست از روایت‌ها اشکال دیگر است. ضعف‌هایی همچون ارسال، اعضاء، ضعف راوی و... که اعتماد به این روایات را کاهش می‌دهد. (سلطانی، ۱۳۸۰ش، ۳۷-۲) این نکات، پذیرش روایات آغاز نزول را با تردید جدی روبرو می‌کند. از سوی دیگر با توجه به اینکه صحابه آغاز و اتمام نزول یک سوره کامل را با نزول عبارت «بسم الله الرحمن الرحيم» درک می‌کردند، (فقهی زاده، ۱۳۹۳ش: ۱۰۳) نباید پنج آیه نخست سوره علق را گسیخته از باقی آیات این سوره دانست و اگر ترجمه‌ای از آیات این سوره ارائه می‌شود، باید ناظر بر تمام آیات آن باشد.

در این سوره خداوند، به دو انسان اشاره می‌کند. فردی که در حال عبادت است (= عَبْدًا

---

1. Gölpinarlı

2. Çelik

ارزیابی برگردان آیه «اقراً باسم ربک» ... ۱۱

إِذَا صَلَّى (علق / ۱۰) و در مقابل، انسانی طغیان‌گر که خود را بی‌نیاز پنداشته و آن عبد را که در حال عبادت است از عبادت نهی می‌کند. (علق / ۱۰-۶) در این سوره به «صلاة» (= نماز) اشاره شده است. روایات متعدد بر وجوب خوانده شدن سوره الحمد در نماز تأکید دارند. (کلینی، ۱۴۰۷ق. ۳ / ۳۱۱؛ ابن‌بابویه، ۱۴۱۳ق. ۱ / ۳۰۰) با توجه به نظم نزول آیات قرآن کریم منطقی نیست که پنج آیه از سوره علق نازل شود، سپس سوره الحمد نازل بشود تا بعد از آنکه نماز و آداب آن و وجوب قرائت سوره الحمد در نماز تبیین شد، آیات واپسین سوره علق که به عبدی اشاره دارد و آن عبد در حال نماز است و لابد سوره الحمد را می‌خوانده، نازل شود و فرد ناهی را سرزنش کند.

چنان‌که زمخشری گزارش می‌کند، بیشتر مفسران نیز سوره الحمد را نخستین سوره‌ای می‌دانند که بر پیامبر اکرم(ص) نازل شده است (زمخشری، ۱۴۰۷ق. ۴ / ۷۷۵) و نزول سوره علق را بعد از سوره الحمد و القلم تاریخ‌گذاری می‌کنند.

بر این اساس باید پذیرفت که سوره الحمد پیش از سوره علق نازل شده است و پس از گذشت مدتی و تبیین شدن شرایط نماز مانند وجوب خوانده شدن سوره الحمد در آن فردی پیدا شده است که عبد در حال نماز را نهی می‌کرده و پس از آن این سوره نازل شده و خداوند در آن به عبد خود دستور داده که: «بخوان!» چنان‌که مفسر متقدمی همچون «طبرانی» می‌نویسد: «قوله تعالی: اقراً وَ رَبُّكَ الْأَكْرَمُ؛ أَى اقراً القرآن فی صلاتک و...» (طبرانی، ۲۰۰۸م، ۶ / ۵۲۷) بنابراین متعلق واژه «اقراً» در عبارت «اقراً بِاسْمِ رَبِّکَ...»، «اسم رب» یا «قرآن» به شکل مطلق نیست. بلکه «صلاة» یا آیات قرآن موجود در نماز است.

## ۲-۲. مفهوم واژه «اسم» در لغت و فرهنگ قرآن

واژه «اسم» به معنای کلمه‌ای است که بر انسان، حیوان یا شیء‌ای دلالت کند. در ریشه-

یابی کلمه «اسم» اختلاف وجود دارد. برخی آن را از ماده «س م و» و در مقابل برخی دیگر آن را از ماده «و س م» می‌دانند. همزه موجود در «اسم» همزه وصل است. (ازهری، بی‌تا، ۱۳ / ۷۹) «اسم» در آیات قرآن کریم یک حقیقت است و نه صرف یک نام برای نامیدن خداوند. زیرا با توجه به آیه «تَبَارَكَ اسْمُ رَبِّكَ ذِي الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ» (الرحمن / ۷۸) و با توجه به اینکه عوارض اجسام مانند لفظ و صوت و آنچه از این دو تشکیل می‌یابد، از پست‌ترین وجودات هستند و به همین علت مقدس و منزّه شمردن آنها بی‌معنا است (صدرالمتألهین، ۱۳۸۳ ش، ۱ / ۳۳) و از آنجا که کلمه «تبارک» در تفاسیر به دو صورت الف) متعالی و منزّه بودن و ب) پر خیر و برکت بودن، معنا شده است (طوسی، بی‌تا، ۹ / ۴۸۶؛ طبرسی، ۱۳۷۲ ش، ۹ / ۳۲۰؛ طباطبایی، ۱۳۹۰ ق، ۱۹ / ۱۱۱) می‌توان نتیجه گرفت که در آیه «اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ» و در برگردان واژه «اسم» باید از «حقیقت نام» استفاده کرد.

## ۲-۳. معنانشناسی واژه «ربّ»

واژه «ربّ»، برعکس آنچه مشهور است، از ریشه «ر ب و» به معنای «پرورش دادن» و «تربیت کردن» نیست. بلکه از ریشه «ر ب ب» و به معنای «سرور»، «مالک» و «صاحب» است. شواهد ریشه‌شناسی واژه «rab» نشان می‌دهد که آن نخستین بار، برای نامیدن خداوند، از زبان سبئی به حجاز و زبان عربی وارد شده است. (خوانین‌زاده، ۱۳۹۴ ش، ۱۲۰-۷۷) همچنین «rab» در بسیاری از زبان‌های سامی، مانند آکادی، آرامی، عبری، فنیقی، سریانی، سبئی و... به همان مفهوم «سرور»، «مالک» و «صاحب» وجود دارد. (هدایت، ۱۳۸۴ ش، ۶۶-۶۴) در زبان عربی نیز پیش از اسلام و پس از آن به همین معانی استفاده می‌شده است. (طبرسی، ۱۳۷۲ ش، ۱ / ۹۴). این در حالی است که عموم و مفسران مسلمان، «ربّ» را به معنای «مالک» می‌دانند (زمخشری، ۱۴۰۷ ق، ۱ / ۸؛ طباطبایی، ۱۳۹۰ ق، ۱ / ۲۱) و در برخی از ترجمه‌های کهن برگردان «خداوندگار» برای این واژه

ارزیابی برگردان آیه «اقراً باسم ربک» ... ۱۳

به کار رفته است (نسفی، ۱۳۷۶ش، ۱ / ۲) و بیشتر آیات قرآن کریم (برای مثال نک: النمل / ۹۱، قریش / ۳، المؤمنون / ۸۶) نشان دهنده معنای «سرور»، «مالک» و «صاحب» است. بنابراین در ترجمه «رب» در آیه «اقراً باسم ربک» باید از «سرور» یا «مالک» استفاده کرد.

### ۳- گزارش و دسته‌بندی ترجمه‌های آیه «اقراً باسم ربک»

قرآن‌پژوهان در معرفی متعلق فعل امر «اقراً» و ترجمه دو واژه «اسم» و «رب» به سه دسته تقسیم می‌شوند.

دسته نخست، معتقدند عبارت مذکور، کیفیت انجام دستور الهی را تعیین کرده است. به بیان دیگر ترجمه عبارت «اقراً باسم ربک ...» چنین است: «به نام پروردگارت بخوان / یا بخوان به نام پروردگارت» (آیتی، ۱۳۷۴ش: ۵۹۷؛ فولادوند، ۱۴۱۸ق: ۵۹۷ و برخی دیگر مانند گلپنارلی<sup>۱</sup>، ۱۹۸۲م: ۵۹۷؛ چلیک<sup>۲</sup>، بی‌تا: ۵۹۷) یا الکساندر<sup>۳</sup> هر چند قرآن کریم را مفعول فعل «قرء» می‌داند، تأکید می‌کند که این خواندن با نام خدا باید شروع شود: «Read the Alcoran, and begin through the name of God, who created all» (الکساندر، ۱۹۸۰م: ۳۸۶)

دسته دوم که بیشتر مترجمان انگلیسی زبان هستند، فعل «اقراً» را مربوط به متن خاصی می‌دانند که پیامبر اکرم(ص) مُکَلَّف به خواندن آن بوده است، همان طور که در ترجمه الکساندر مشاهده شد. البته میان مترجمان این دسته درباره مضامین آن متن، اختلافاتی وجود دارد. برای مثال پیکتال<sup>۴</sup> و آربری<sup>۵</sup>، چنین ترجمه کرده‌اند: «Recite/Read: In the name of thy Lord»

- 
1. Gölpinarlı
  2. Çelik
  3. Alexander Ross
  4. Pickthall
  5. Arberry

(پیکتال، ۲۰۱۱م: ۶۸۹؛ آربری، ۱۹۵۵م: ۲۷۸) یعنی «بِسْمِ رَبِّكَ» را آغاز متنی می‌دانند که پیامبر

اکرم(ص) مأمور به خواندن آن شده است. یعنی «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» بگو.

تفاوت این دو نگاه در این است که ترجمه نخست، عبارت «بِسْمِ رَبِّكَ» را گویای کیفیتِ

فعلِ پیامبر اکرم(ص) می‌داند در حالی که در ترجمه دوم، عبارت «بِسْمِ رَبِّكَ» همان چیزی است

که پیامبر اکرم(ص) مأمور به خواندن آن شده است. اما وجه مشترک هر دو ترجمه، ترجمه

عبارت «بِسْمِ رَبِّكَ» به شکل «به نام پروردگارت» است.

دسته سوم که تعداد اندکی از مترجمان فارسی زبان را دربر دارد، حرف «باء» را در این

عبارت زائده دانسته و آن را ترجمه نکردند. چنان‌که سراج، عبارت «أَقْرَأَ بِسْمِ رَبِّكَ» را چنین

ترجمه کرده است: «بخوان نام پروردگارت را» (سراج، ۱۳۹۰ق، ۵۹۷؛ خسروانی، ۱۳۹۰ق، ۵۸۲

ومیبیدی، ۱۳۷۱ش، ۱۰/۵۴۸)

در جدول زیر نتیجه مقایسه ترجمه‌های فوق دسته‌بندی شده است:

جدول شماره (۱): تنوع ترجمه‌های ارائه شده

ترجمه ارائه شده	قرآن پژوهان	زبان
بخوان به نام پروردگارت ...	آیینه‌وند (۱۳۷۷ش: ۱۱۹۴)، فولادوند (۱۴۱۸ق: ۵۹۷)، آیتی (۱۳۷۴ش: ۵۹۷)، کاویانپور (۱۳۷۲ش: ۵۹۷)، مکارم (۱۳۷۳ش: ۵۹۷)، مصباح زاده (۱۳۸۰ش: ۵۹۷)	فارسی
بخوان به نام پروردگار خویش ...	معزی (۱۳۷۲ش: ۵۹۷)	
بخوان (این کتاب را با شروع) به نام پروردگارت ...	مشکینی (۱۳۸۱ش: ۵۹۷)	
بخوان نام پروردگارت را	سراج (۱۳۹۰ق: ۵۹۷)، خسروانی (۱۳۹۰ق: ۵۸۲)	
Oku Rabbinin adıyla ...	گلپنارلی (۱۹۸۲م: ۵۹۷)	ترکی

Yaratan Rabbinin adıyla oku	قدری چلیک (بی تا: ۵۹۷)	استانبولی
Read the <i>Alcoran</i> , and begin through the name of God, who created all	الکساندر (۱۹۸۰م: ۳۸۶)	انگلیسی
READ, In the name of thy LORD...	جورج سیل (۱۹۸۹م: ۴۵۰)	
Read: In the name of thy Lord...	پیکتال (۲۰۱۱م: ۶۸۹)	
Recite: In the Name of thy lord...	آربری (۱۹۵۵م: ۲۷۸)	
Recite the Name...	روبین (۱۹۹۳م)	
[O, Messenger!] Recite in the Name of Allah...	صفرزاده (۱۳۸۰ش: ۵۹۷)	
Read in the Name of your Lord ...	شاکر (۱۹۷۴م: ۹۶۶)، ایروینگ (۱۹۸۵م: ۳۸۲)، موسسه رواد <sup>۱</sup> (۲۰۲۰م: ۸۶۴)	
Convey thou in the name of thy Lord Who created	مولوی شرعلی <sup>۲</sup> (۲۰۱۵م: ۷۴۱)	
Proclaim! (or read!) in the name of thy Lord and Cherisher, Who created	یوسف علی <sup>۳</sup> (۱۹۹۰م: ۱۹۷۹)	

#### ۴- بحث و تحلیل

در هر سه دسته از ترجمه‌ها در متعلق‌یابی فعل امر «اقراً» نارسایی‌هایی وجود دارد. همچنین در برگردان واژه «اسم» و «رب» و استفاده از مطلق واژه «نام» و «پروردگار»، به جای آنها، غفلت شده است. بر این اساس ترجمه مطلوب از «اسم ربک» چنین است: «(حقیقت) نام سرورت» بنابراین خواندن به حقیقت نام سرور، تحقق می‌یابد و نه به خوانش مطلق نام پروردگار.

#### ۴-۱. نقد ترجمه «بخوان به نام پروردگارت»

از محاسن این ترجمه، نسبت به دو ترجمه دیگر، برگردان تمام کلمات موجود در متن اصلی است. به طوری که فخررازی، تلویحاً متذکر این جنبه از ترجمه شده است. (فخررازی، ۱۴۲۰ق، ۳۲ / ۲۱۵) اما عدم وضوح ترجمه و تعیین نشدن مفعولی برای فعل امر «اقراً» و چپستی

- 
1. Rowad Translation Center
  2. Ali, maulawi Sher
  3. Abdullah Yusuf Ali

آن مانع از انتقال صریح معنا شده است. مخاطب با دیدن یا شنیدن عبارت «بخوان به نام پروردگارت» از خود یا گوینده می‌پرسد: «چه چیز را باید بخوانم؟» «آیا مقصود از خواندن تکان دادن زبان و دیگر آلات گویش و بیان شدن الفاظ است؟ یا خواندن معنای دیگری را دربردارد؟» به واقع خداوند در این آیه از بشر و سرآمد آنان پیامبر اکرم(ص) چه می‌خواهد؟ در مواجهه با این پرسش‌ها و ضعف‌های پیش گفته درباره اخبار آغاز نزول، یا باید مانند برخی از مفسران (ابوحیان، ۱۴۰۷ق، ۲/ ۱۲۸۳)، بدون توجه به ضعف شدید متن و سند این اخبار، مفعول فعل امر «اقراً» را آیات قرآن کریم و آیه مورد بحث را ناظر بر کیفیت انجام دستور (= قرائت قرآن کریم) بدانیم. یعنی با در نظر گرفتن تقدیرهایی همچون «مُفْتَتِحًا» یا «مُبْتَدَأً» آیه را ترجمه کنیم و برای مثال بگوییم: ترجمه آیه چنین است: «(قرآن کریم را درحالی که آن را) با اسم سرورت (آغاز می‌کنی) بخوان» یا مانند برخی از مترجمان که با این چالش روبرو شده‌اند به نحوی که آنان را بر این واداشته تا به کلی از ترجمه مفعول و نحوه انجام فعل «اقراً» سرباززند، سکوت کنیم و فهم متن را به مخاطب واگذاریم که خود هر چه مناسب دید در معنای آیه و نحوه انجام فعل در نظر گیرد.

#### ۴-۲. نقد ترجمه «بخوان: به نام پروردگارت» (= بگو: بسم الله الرحمن الرحيم)

این ترجمه از جهت علم نحو بی‌اشکال است. اما این تنها یکی از چند شرط پذیرش یک تفسیر یا ترجمه از قرآن کریم است. برای درستی یک ترجمه از قرآن کریم، مطابق بودن آن با علم نحو لازم است ولی کافی نیست.

نکته دیگر آنکه احتمال می‌رود ریشه این برداشت در مسئله کلامی نهفته باشد. فخررازی می‌نویسد: برخی حرف جر «باء» در آیه «اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ» را زائد دانسته‌اند (= ترجمه سوم از آیه = «بخوان نام پروردگارت را / نام پروردگارت را تکرار کن») و آن را تذکری نسبت به پیامبر اکرم(ص) می‌دانند. به این معنی که پیامبر اکرم(ص) باید یاد پروردگار را ذکر می‌کرد. اما چنین

ارزیابی برگردان آیه «اقراً باسم ربک» ... ۱۷

دستوری به دو دلیل شایسته پیامبر اکرم(ص) نیست. نخست آنکه اگر مقصود، یادکرد پیامبر اکرم(ص) از خداوند باشد، آن جناب(ص) در پاسخ فرشته وحی نباید از یادکردن پروردگار خویش سربازمی‌زد و می‌گفت که قاری نیستم. (= ما انا بقاری) دوم اینکه آن جناب(ص) همواره به یاد خداوند بوده و نیازی به این دستور نبوده است. (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ۳۲ / ۲۱۵) بر این اساس می‌توان احتمال داد مترجمان با توجه به این دو اشکال چنین برداشتی را از آیه ارائه داده باشند. به بیان دیگر آنان «اسم ربک» را همان «قرآن کریم» می‌دانند و این طور ترجمه کرده‌اند: «بخوان: به نام پروردگارت را». علامه طباطبائی می‌نویسد: «کلمه "بِسْمِ رَبِّكَ" مفعول فعل "اقرا" و حرف "باء" در آن زایده، و تقدیر کلام "اقرا اسم ربک"، یعنی بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ نیست.» (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ۲۰ / ۳۲۲) و اینکه ریشه «قرآ» در قرآن کریم گاه با مفعول «الکتاب» و گاه با مفعول «القرآن» به کار رفته است، نمی‌تواند دلیل آن باشد که در این آیه نیز مفعول فعل «اقراً» بعد از آن قرار داشته باشد.

از سوی دیگر همان طور که گذشت روایات آغاز نزول قرآن کریم قابل اعتماد نیستند تا بر مبنای آنها بتوان قرآن کریم را تفسیر کرد.

#### ۴-۳. نقد ترجمه «بخوان نام پروردگارت را»

این ترجمه، از مقایسه این آیه با دیگر آیات قرآن کریم که از جهت ساختار با آیه مورد بحث، شباهت دارند، برآمده است. برخی از طرفداران این ترجمه به شباهت آیاتی از قرآن کریم، از جهت ساختاری ادبی، با آیه مورد بحث، استناد کرده‌اند. (رُبین<sup>۱</sup>، ۱۹۹۳م، ۲۱۴) توضیح آنکه آنان نخست، به ساختار آیه «فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ» (الواقعه / ۷۴، ۹۶؛ الحاقه / ۵۲) اشاره می‌کنند. سپس این آیه را با آیه «سَبِّحْ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى» (الأعلى / ۱) که ساختاری مشابه با آن دارد،

مقایسه می‌کنند. سرانجام به این نتیجه می‌رسند که حرف جرّ «باء» در عبارت «فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ» زائده است و با توجه به اشتراک دو آیه «فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ» (الواقعه/۷۴، ۹۶؛ الحاقه/ ۵۲) و آیه «اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ» (علق/۱) در عبارت «بِاسْمِ رَبِّكَ»، حرف جرّ «باء» در هر دو آیه، زائده است و این حرف نباید در ترجمه وارد شود. آنان این باور خود را با افزودن دو آیه «وَ اذْكُرْ اسْمَ رَبِّكَ وَ تَبَتَّلْ إِلَيْهِ تَبْتِلًا» (المزمل/ ۸) و «وَ اذْكُرْ اسْمَ رَبِّكَ بُكْرَةً وَ أُصِيلاً» (الانسان/ ۲۵) به بحث، تقویت می‌کنند. زیرا در این دو نیز ترکیب «اسْمَ رَبِّكَ» بدون حرف جرّ «باء» آمده است.

چنان‌که ابوعبیده، تقدیر آیه «اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ» (علق/ ۱) را «اقْرَأْ اسْمَ رَبِّكَ» می‌داند. (ابوعبیده، ۱۳۸۱ق، ۲/ ۳۰۴) شیخ طوسی نیز می‌نویسد: تعظیم نام، برابر با تعظیم مسمی است. حرف جرّ «باء» در «بِاسْمِ رَبِّكَ» زائد است و تقدیر آیه، «اقْرَأْ اسْمَ رَبِّكَ» است. (طوسی، بی- تا، ۱۰/ ۳۷۹)

هرچند ممکن است این برداشت در میان مفسران و مترجمان مسلمان برآمده از مقایسه آیه مورد بحث با دیگر آیات قرآن کریم باشد اما برخی از اسلام‌پژوهان غربی در نهایت به عباراتی از تورات و زبان عبری استناد می‌کنند. برای مثال یکی از آنان می‌نویسد: عبارت قرآن کریم به عبارتی از زبان عبری که ریشه در تورات دارند، بازمی‌گردد. (ربین، ۱۹۹۳م، ۲۱۷). در این برگردان، مترجم، به خوبی نیاز عبارت به مفعول را متوجه شده است و «نام پروردگار» را مفعولی برای فعل «اقْرَأْ» دانسته است. اما مانند دیگر برگردان‌ها این نسخه نیز دارای چند موضع ضعف است. نخست آنکه مترجم در آن از برگرداندن حرف جرّ «باء» سرباز زده است. چنان‌که فخررازی و علامه طباطبایی نیز به این ضعف اشاره کرده‌اند و می‌نویسند حرف «باء» در این برداشت بی‌فایده می‌نمایند (فخررازی، ۱۴۲۰ق، ۲۱۵/۳۲؛ طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ۲۰/۳۲۲) این درحالی است که در ترجمه‌های دیگر چنین وضعی وجود ندارد و از این جهت برتر هستند.

ارزیابی برگردان آیه «اقراً باسم ربک» ... ۱۹

دوم آنکه برخی از طرفداران این ترجمه برآنند که فعل «اذکر» و «سبح» مترادف با «اقراً» است. درحالی که هیچ دلیلی برای چنین ترادفی جز تشابه عبارت بعد از این دو فعل در قرآن کریم با عبارت «باسم ربک» که بعد از فعل «اقراً» به کار رفته است، وجود ندارد! چنان که آنان در گام نخست، ساختار آیه «فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ» (الواقعه / ۷۴، ۹۶؛ الحاقه / ۵۲) و آیه «سَبِّحِ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى» (الأعلى / ۱) را مقایسه کرده به این نتیجه می‌رسند که حرف جرّ «باء» در عبارت «فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ» زائده است و در گام دوم با توجه به اشتراک دو آیه «فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ» (الواقعه / ۷۴، ۹۶؛ الحاقه / ۵۲) و آیه «اقراً باسم ربک الذی خلق» (علق / ۱) در عبارت «باسم ربک»، حرف جرّ «باء» در هر دو آیه را زائده دانسته و نتیجه گرفته‌اند که این حرف نباید در ترجمه وارد شود و دستور خداوند در آیه نخست ناظر به دو آیه «وَ اذْکُرْ اسْمَ رَبِّكَ وَ تَبَتَّلْ إِلَيْهِ تَبْتِلاً» (المزمل / ۸) و «وَ اذْکُرْ اسْمَ رَبِّكَ بُکْرَةً وَ أُصِيلاً» (الانسان / ۲۵) است. زیرا در این دو نیز ترکیب «اسم ربک» بدون حرف جرّ «باء» آمده است. آیا به واقع می‌توان به جهت وجود عبارتی مشابه بعد از دو یا سه کلمه متفاوت، چنین برداشت کرد که آن دو کلمه هم معنا هستند؟ آیا به سبب زائد بودن «باء» (البته در صورت پذیرش زائده بودن آن) می‌توان چنین نتیجه گرفت که در عبارت دیگری نیز زائده باشد؟

خداوند در این کتاب، قصد تولید مسئله‌های دشوار برای انسان نداشته بلکه آن نور و تبیان برای هر چیزی است. بنابراین اگر قصد خداوند به واقع، این بود که نام او قرائت شود، ایجاد پیچیدگی با افزودن حرف جرّ «باء» که مخل در فصاحت و بلاغت قرآن کریم است و ترجمه آن را با تردید روبرو می‌کند، نابجا است.

از سوی دیگر گاه برای زائد بودن حرف جرّ «باء» به برخی عبارت‌های غیر قرآنی مانند برخی احادیث و اشعار عربی استناد می‌شود. (فخررازی، ۱۴۲۰ق، ۳۲ / ۲۱۵؛ ربین، ۱۹۹۳م، ۲۱۴) این درحالی است که بسیاری از روایات با مشکل نقل به معنا روبه‌رو است و صدور آنها با همین

لفظ که امروز در اختیار ما است، قطعیت ندارد تا بتوان با استناد به ساختارهای نحوی به کاررفته در آنها به قطعیت رسید.

سوم آنکه این ترجمه لفظ به لفظ است. چنان که پیش‌تر از سوی برخی محققان این ضعف سبب پراکنده‌نمایی قرآن کریم دانسته شده است. (فقهی‌زاده، ۱۳۹۳ش، ۳۰۷) زیرا این نوع ترجمه، گسیخته و ابهام‌خیز است و قادر نیست که شور متن اصلی را منتقل کند.

#### ۵- ارائه ترجمه مطلوب از آیه «اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ»

با توجه سخن مفسران قرآن کریم و با توجه به نکاتی که از معناشناسی واژگان به کاررفته در آیه «اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ» و با توجه به تاریخ‌گذاری نزول سوره علق پس از سوره‌های الحمد و القلم، ترجمه پیشنهادی برای آیه مورد بحث چنین است: «[نمازت را] به [یاری حقیقت] نام سرورت بخوان» است.

حال دیگر نیازی نیست که پرسیده شود چه بخوانم؟ معلوم است که آن نماز که از آن نهی شده است باید خوانده شود. آن هم به یاری حقیقت اسم سرورت! در این ترجمه علاوه بر رعایت تناسب آیات سوره علق به نکات تفسیری و معناشناسی، پیوستگی آیات، ذکر فعل عبادی «صلاه»، معنای حرف جر «باء» به صورت «استعانت» و ضعف روایات آغاز نزول قرآن کریم توجه شده است.

#### ۶- نتیجه‌گیری

حاصل پژوهش حاضر در بررسی ترجمه‌های نامبرده این است که:

۱. ضعف‌های مشترک میان ترجمه‌ها عبارت است از نخست: ترجمه واژه «اسم» به مطلق «نام».
- دوم: ترجمه «رب» به «پروردگار». همچنین ضعف‌هایی مانند لفظ به لفظ بودن ترجمه، عدم تعیین مفعول یا نامناسب بودن مفعول تعیین شده برای فعل امر «اقْرَأْ»، توجه به روایاتی نامعتبر به عنوان پشتوانه ترجمه، بی‌پایه بودن از جهت علمی، حذف بی‌دلیل حرف جر «باء» و

ارزیابی برگردان آیه «اقرأ باسم ربك» ... ۲۱

نادیده گرفتن و بی‌فایده جلوه دادن آن، مترادف دانستن افعال گوناگونی مانند «سبح» و «اذکر» با فعل «قرء» به صرف شباهت کلمات بعد از آنها، وارد شدن عصبیت‌های دینی - تبشیری در امر ترجمه و عدم رعایت بی‌طرفی و حق‌طلبی از سوی اسلام‌پژوهان غیر مسلمان، به تنهایی در برخی از آنها به چشم می‌خورد.

۲. ترجمه پیشنهادی برای آیه نخست سوره علق «[نماز را] به [یاری حقیقت] نام سروررت بخوان» است. این ترجمه با در نظر گرفتن گزاره‌های پیش رو ارائه شده است: نخست آنکه با توجه به ذکر عمل عبادی «صلاه» در سوره علق و با توجه به نازل نشدن سوره‌ای پیش از اتمام سوره پیشین و همچنین با توجه به لزوم قرائت سوره الحمد در تمام نمازها، سوره الحمد باید پیش از سوره علق نازل شده باشد و بر همین اساس می‌توان مفعول فعل «اقرأ» را همان نماز یا قرآنی که در نماز خوانده می‌شود دانست. دوم چشم‌پوشی از اخبار موجود درباره آغاز نزول وحی که از جهت متن دچار اضطراب شدید هستند و سند آنها ضعیف است. سوم آنکه حروف و کلمات موجود در متن عربی آیه هر یک مفهوم خاصی افاده می‌کنند. چهارم آنکه با کمک دانش ریشه‌شناسی برگردان دقیق‌تری از واژگان ارائه شد.

#### منابع:

##### قرآن کریم.

ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۱۳ق). *من لایحضره الفقیه*. به تصحیح علی اکبر غفاری. چاپ دوم. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

ابوحیان، محمد بن یوسف (۱۴۰۷ق). *تفسیر النهر الماد من البحر المحیط*. چاپ نخست. بیروت: دارالجنان.  
ابوعبیده، معمر بن مثنی (۱۳۸۱ق). *مجاز القرآن*. به تحقیق: فؤاد سزگین. چاپ نخست. قاهره: مکتبه‌الخانجی.  
آدینه‌وند لرستانی، محمدرضا (۱۳۷۷ش). *کلمه الله العلیا*. (نرم‌افزار جامع التفاسیر نور) چاپ نخست. تهران: اسوه.

آیتی، عبدالمحمد (۱۳۷۴ش). *ترجمه قرآن*. (نرم‌افزار جامع التفاسیر نور) چاپ چهارم. تهران: صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران، انتشارات سروش.

بخاری، محمد بن اسماعیل (۱۴۰۷ق). *الصحیح*. بیروت: دارالقلم.

- جانی‌پور، محمد. ایزدی، مهدی (۱۳۹۲ش). «جستاری در تبارشناسی ماده «قرأ» در ساخت واژه «قرآن»». دوفصلنامه پژوهش‌های زبانشناختی قرآن. دوره ۲. شماره ۲. صص. ۴۰-۲۱.
- چلیک، قدری (بی‌تا). ترجمه قرآن. (ترکی استانبولی-چلیک) (نرم‌افزار جامع التفاسیر نور) بی‌جا، بی‌نا. خسروانی، علیرضا (۱۳۹۰ق). تفسیر خسروی. به تحقیق: محمدباقر بهبودی. چاپ نخست. تهران: کتابفروشی اسلامیة.
- خوانین‌زاده، محمدعلی (۱۳۹۴ش). «معناشناسی تاریخی واژه «رب»». دوفصلنامه پژوهش‌های زبانشناختی قرآن. سال چهارم. شماره ۲. صص. ۷۷-۱۲۰.
- زمخشری (۱۴۰۷ق). الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل. مصحح: مصطفی حسین احمد. چاپ سوم. بیروت: دار الکتاب العربی.
- سراج، رضا (۱۳۹۰ق). ترجمه قرآن. (نرم‌افزار جامع التفاسیر نور) چاپ نخست. تهران: سازمان چاپ دانشگاه.
- سلطانی، مصطفی (۱۳۸۰ش). «بررسی احادیث آغاز وحی». علوم حدیث. شماره ۲۰. صص. ۳۷-۲.
- سمرقندی، نصرین محمد (۱۴۱۶ق). تفسیر السمرقندی المسمی بحر العلوم. مصحح: عمر عمروی. چاپ نخست. بیروت: دار الفکر.
- صدرالمآلهین، صدرالدین محمد شیرازی (۱۳۸۳ش). شرح اصول کافی. چاپ نخست. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- صفارزاده، طاهره. (۱۳۸۰ش). ترجمه قرآن، (نرم‌افزار جامع التفاسیر نور) تهران: مؤسسه فرهنگی جهان رایانه کوثر، چاپ دوم.
- طباطبایی، محمدحسین (۱۳۹۰ق). المیزان فی تفسیر القرآن. چاپ دوم. بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
- طبرانی، سلیمان بن احمد. (۲۰۰۸م). التفسیر الکبیر: تفسیر القرآن العظیم. چاپ نخست. اردن: دار الکتاب الثقافی.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲ش). مجمع البیان فی تفسیر القرآن. به تصحیح: فضل‌الله یزدی طباطبایی و هاشم رسولی. چاپ سوم. تهران: ناصرخسرو.
- طوسی، محمد بن حسن (بی‌تا). التبیان فی تفسیر القرآن. به تصحیح: احمد حبیب عاملی. چاپ نخست. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- فخررازی، محمد بن عمر (۱۴۲۰ق). التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب). چاپ سوم. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- فقهی‌زاده، عبدالهادی (۱۳۹۳ش). پژوهشی در نظم قرآن (مبانی تاریخی و مسائل علم تناسب تحلیل علل پراکنده‌نمایی و عدم تفکیک موضوعی در قرآن). چاپ نخست. تهران: انتشارات سخن.

فولادوند، محمدمهدی (۱۴۱۸ق). ترجمه قرآن. به تحقیق: هیئت علمی دارالقرآن الکریم (دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی) (نرم‌افزار جامع التفاسیر نور). چاپ سوم. تهران: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی.

کلینی. محمدبن‌یعقوب (۱۴۰۷ق). الکافی. به تصحیح علی‌اکبر غفاری و محمد آخوندی. چاپ چهارم. تهران: دارالکتب الاسلامیه.

گلینارلی، عبدالباقی (۱۹۸۲م). ترجمه قرآن. (ترکی استانبولی-گلینارلی) (نرم‌افزار جامع التفاسیر نور). قم: انتشارات انصاریان.

میبدی، احمدبن‌محمد (۱۳۷۱ش). کشف‌الاسرار و عده‌الابرار (معروف به تفسیر خواجه عبدالله انصاری). به اهتمام: علی‌اصغر حکمت. چاپ پنجم. تهران: امیرکبیر.

نسفی، عمربن‌محمد (۱۳۷۶ش). تفسیر نسفی. به تصحیح عزیزالله جوینی. چاپ نخست. تهران: انتشارات صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران. انتشارات سروش.

هدایت، شهرام (۱۳۸۴ش). بررسی زبان‌شناختی واژه‌هایی از قرآن کریم. چاپ نخست. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

Arberry, A. J. (1955). *The holy Koran*. New York: The Macmillan Company.

Irving, T. B. (1985). *The Qur'an: The first American version*. Brattleboro, Vermont, United States: Amana Books.

Maulawi Sher, Ali (2015). *The holy Quran with English translation*. UK: Islam International Publications LTD. Present Edition (Royal Size).

Pickthall, Muhammad Marmaduke. (2011). *Roman transliteration of the holy Qur'an*. Lahore, Pakistan: Qudrat Ullah Co. Urdu Bazar.

Ross, Alexander (1980). *The Alcoran of Mahomet*. London: Printed Anno Dom 1649.

Rowad Translation Institution for Telecommunications & Information Technology (2020). Quran-translating.

Sale, George Gent, (1989). *The Koran*. London: Printed by C. Ackers.

Shakir, M. H. (1974). *The holy Quran; Arabic text and English translation*. Tehran: World Organization for Islamic Services (WOFIS).

Uri, Rubin, (1993). "Iqra' bi-smi rabbika ...! Some notes on the interpretation of Surat al-'Alaq," *Israel Oriental Studies* 13, pp. 213-230.

Yusuf Ali, Abdullah (1990). *The holy Qur-an, English translation of the meanings and Commentary*.